

## **Analysis of the function of human lived experiences as an interpretive source**

**Ahmad Gharaee Sultan Abadi\***

### **Abstract**

In the field of various sciences, there are about three main meanings of the experience has been willed: scientific and laboratory experiences, mystical experiences and lived experiences of each person that are formed during his life and become part of his intellectual foundations and mental assumptions. Through the method of description and analysis in this article, the function and status of the above experiences as an interpretive source for Muslim commentators was examined and it was concluded that the issue of knowledge capacity of human experiences among Muslim commentators has not been raised as an independent source. It is just that from time to time, experiences based on a sense and direct observation of things and experiences resulting from mystical discoveries and intuitions have been discussed. And in practice, there are cases in the interpretations of Shiite and Sunni, for example, cited the scientific and practical experiences of human beings in explaining the cause of some Shari'a rulings, proving or denying some views, better understanding the environment and individuals, a tool for thinking and learning. But they did not mention each person's lived experiences as a source of interpretation. However, lived human experiences contain a wide range of information and knowledge that allows the commentators of the Qur'an to face realistically and interpret verses based on their own experiences and those of others.

**Keywords:** Holy Quran; Lived experiences; the human ; Interpretive source

\* Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Vali-e-Asr University, Rafsanjan.  
ah.gharaee@vru.ac.ir

Date received: 08/12/2021, Date of acceptance: 05/03/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه یک منبع تفسیری

احمد قرائی سلطان آبادی\*

### چکیده

در حیطه علوم مختلف، حدود سه معنای اصلی از تجربه اراده شده است: تجارب علمی و آزمایشگاهی، تجارب عرفانی و تجارب زیسته هر انسان که در طول عمرش شکل می‌گیرند و بخشی از مبانی فکری و پیش‌فرضهای ذهنی او می‌شوند. به روش توصیف و تحلیل در این جستار، کارکرد و جایگاه تجارب فوق به مثابه یک منبع تفسیری نزد مفسران مسلمان بررسی گردید و این نتایج بدست آمد که موضوع ظرفیت معرفتی تجارب بشری نزد مفسران مسلمان به عنوان یک منبع مستقل زیاد مطرح نبوده است، فقط اینکه به تناوب روزگار، از تجارب مبتنی بر حس و مشاهده مستقیم امور و تجارب ناشی از کشف و شهودهای عرفانی سخن به میان آمده است و در مقام عمل، مواردی در تفاسیر فریقین وجود دارد که برای مثال در تبیین علت برخی از احکام شرعی، اثبات یا نفی بعضی دیدگاهها، شناخت بهتر محیط و افراد، ابزاری برای تفکر و عبرت و پندگیری به تجارب علمی و عملی بشر استناد کردند. اما از تجارب زیسته هر فرد به عنوان یک منبع تفسیری کمتر یاد کردند. حال آنکه، تجارب زیسته بشر قلمرو وسیعی از معلومات و اطلاعات را در خود دارد که به مفسران قرآن، امکان مواجهه واقع‌بینانه و تفسیر آیات بر محور تجربیات خود و دیگران را عطا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم؛ تجارب زیسته؛ بشر؛ منبع تفسیری

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان. ah.garaee@vru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

در فرهنگهای مختلف تصور رایج این است که تجارب یا تجربیات شکل گرفته در میان مردم گنجینه‌ای با ارزش از اطلاعات و مهارتهاست. با این حال، استفاده مردم از تجارب زیسته خود یکسان نیست. چون که سنخ آن تجارب با یکدیگر متفاوت است؛ بعضی تجارب ناشی از علم و تخصص افراد است؛ بعضی دیگر برگرفته از داد و ستدهای فرهنگی و تجاری افراد با یکدیگر است؛ بعضی هم از نوع روابط و مناسبات فردی و اجتماعی افراد نشأت می‌گیرد. تجارب انسانها بخشی از فرهنگ اجتماعی است که در آن زیست می‌کنند و معمولاً به اشکال مختلف ظهور می‌یابند. تجارب حسی افراد با تجارب درونی و شهودی آنان تفاوت دارد؛ تجارب شغلی با تجارب تحصیلی دو گونه‌ی متفاوتند؛ تجارب پیش از ازدواج با تجارب حاصل از زندگی مشترک یکی نیستند. اما همه این تجارب در یک نقطه با هم اشتراک دارند و آن اینکه برای بهبود بخشیدن به زندگی انسان و کاهش قلمرو اشتباهات او کاربرد دارند.

تجارب مختلف بشر این ظرفیت را دارند که بر علم و آگاهی مفسر قرآن بیفزایند، مادامی که همراه با تذکر و تفکر مستمر باشند و مرزهای میان تجارب موفق از تجارب ناموفق نیز مشخص باشد. معمولاً این امکان برای هر مفسری وجود دارد که به تجارب گذشته زندگی خود و دیگران توجه و مراجعه کند و از تجربیات علمی و عملی ناشی از آن بهره‌برد. زیرا تجارب انسان در حافظه او و فرهنگ جامعه ثبت و ضبط می‌شوند، و معمولاً از اموری هستند که با واقعیتهای زندگی ارتباط نزدیک دارند. داشتن یک تجربه موفق یا ناموفق در کنار سایر حوادث زندگی چیزی نیست که به سادگی قابل فراموشی باشد مگر آنکه علل و اسباب غفلت و بی‌توجهی افراد زیاد گردد، تا حدی که زندگی حالت تکرارشدگی و یکنواختی به خود بگیرد و افراد نتوانند از تجربیات خود بهره‌کافی ببرند. طبق یک دیدگاه آن حالت تکرار و یکنواختی زندگی، معلول حجم کم تجارب و عبرتها نیست، بلکه نتیجه کم عبرت‌پذیری و تفکرات اندک ما انسانهاست (ر.ک: مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۱ ص ۲۷۹).

قرآن به شکل مختصر یا مکرر، تجارب زیادی از بشر را بیان داشته است که بخش قابل توجهی از آنها را می‌توان در قصص امتهای گذشته مشاهده کرد. عمده‌ترین انگیزه از خوانش این بخش از قرآن، تذکر، عبرت و پندآموزی دانسته شده است (ر.ک:

غزالی، ۱۴۰۳، ص ۱۵). تجارب حاصل از زندگی پیامبران، تجارب ناشی از کنش و واکنشهای موافقان و مخالفان دین خدا، تجارب برگرفته از عمل به احکام و دستورات الهی، تجربیات قوم عرب (به عنوان نخستین مخاطبان قرآن) در مکه و مدینه، تجارب نهفته در عمل به احکام و تکالیف دینی، بخش وسیعی از آیات قرآن را دربردارند. در کنار اینها، دعوت قرآن به مشاهده و تجربه مستقیم هر یک از نشانه‌های خدا در نظام طبیعت هم دربردارنده حجم قابل توجهی از تجارب بالقوه بشر است که ظرفیت معرفت شناختی مناسبی را دارا می‌باشند.

بدون شک، اطلاع از موضع و رویکرد مفسران مسلمان به هر یک از آیات از حیث توجه به تجارب مختلف بشری موضوع دارای اهمیتی است که مسئله پژوهش حاضر شده است تا مشخص گردد که نحوه مواجهه مفسران مسلمان با مقوله تجارب بشری چگونه بوده است؛ چه معنایی از تجارب بشری را مد نظر داشتند؛ و در فهم و تفسیر آیات از کدام تجارب علمی و عملی بشر بهره جستند؛ از همه مهم‌تر آیا مفسران قرآن در روش تفسیری خود به تجارب بشری به عنوان یک منبع تفسیری توجه داشتند؟

در پژوهش‌های قرآنی و تفسیری موجود به صورت پراکنده، اشاراتی به تجارب مختلف بشر شده است، ولی حتی یک تحقیق مستقل با عنوان تجارب بشری در حوزه فهم و تفسیر قرآن یا نحوه مواجهه مفسران مسلمان با تجارب بشری ارائه نشده است. آنچه که در ذیل تفسیر آیات مرتبط در منابع تفسیری (ر.ک: فهرست منابع) آمده است، به اقتضای نیاز، مورد استفاده این پژوهش قرار گرفته است.

## ۲. چیستی و معنای تجربه

در لغت برای تجربه معانی: آزمودن، آگاهی یافتن، آزمایش و امتحان کردن کسی را برشمرده اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵ ص ۶۴۴۵). تجربه مفرد تجارب، مصدر باب تفعیل به معنای آزمودن، آزمایش و امتحان است که بر نوعی مبالغه و تکرار دلالت دارد. عرب وقتی می‌گوید: جرب الرجل تجربه یعنی تجربه مره بعد آخری، و شخص مجرب به کسی اطلاق می‌شود که امور و حوادث مختلف او را با تجربه و استوار ساخته به حدی که بر آن امور آگاهی یافته است (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱ ص ۲۶۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲ ص ۲۳).

طبق این معنا هیچ انسانی خالی از تجربه نیست؛ تجارب دوران کودکی، تجارب دوران مدرسه، تجارب شغلی، تجارب زندگی مشترک. دو عنصر مهم زمان و آگاهی در هر یک از تجارب بشری نقش اساسی دارند. زمان از این حیث که مقدرای از عمر انسان را در بر می-گیرد، آگاهی و شناخت هم از این لحاظ که میزان درک و آگاهی او را نسبت به قبل بیشتر می‌سازد.

فیلسوفان برای تجربه دو معنای عام و خاص بیان داشته‌اند. تجربه در معنای عام آن عبارت است از امتحان و آزمودنی که به فکر آدمی وسعت و غنا می‌بخشد که خود بر دو نوع است: تجربه فردی و تجربه نوعی. تجربه نوعی تجربه‌ای است که از طریق تربیت و زبان و تقلید و وراثت به نسلهای بعدی منتقل می‌شود. تجربه در معنای خاص آن عبارت است از این که دانشمند، پدیده‌های طبیعی را در ضمن یک شرایط معین مورد بررسی قرار دهد تا به قانونی دست یابد که با آن بتواند پدیده‌های طبیعی را علت‌یابی کند (ر.ک: حمدان، ۱۴۱۶، ص ۱۸۳-۱۸۴). برای مثال، وقتی دانشمند علوم طبیعی در چند مورد تجربه کرد که آب در صد درجه، به جوش می‌آید، در ذهن خود به یک حکم کلی دست می‌یابد که آب، همیشه در صد درجه به جوش می‌آید.

اصطلاح تجربه در علوم تجربی برابر با تجربه به معنای خاص آن است که معمولاً دانشمندان این علوم در آزمایشگاه، مطالعاتی بر روی نمونه‌های موجودات زنده انجام می-دهند و پس از مدتی به صورت مستقیم حس و مشاهده می‌کنند که آن نمونه تحقیق در شرایط متفاوت، چه حالات و تغییراتی می‌پذیرد. به این گونه تجارب، تجارب آزمایشگاهی و علمی اطلاق می‌گردد که به شرط قطعی بودن، قابلیت استفاده در مسیر فهم و تبیین مباحث علوم مختلف را دارند. این معنا از تجربه نزد افراد کنجکاو و کاوشگر در همه علوم یک معنای شناخته شده است، چونکه در بررسی صحت و سقم هر ادعایی می‌توانند آن را آزمایش کنند تا با مشاهده و تجربه از میزان درستی یا نادرستی آن اطلاع یابند. نقل است که جاحظ معتزلی چنین روحیه‌ای داشته است. برای مثال، او کوشیده است تا برای به دست آوردن معنای شعر نیز از اصل تجربه استفاده کند. می‌گوید:

یحیای اغرّ این شعر را برایم خواند:

كضرب القيون سبيك الحدى      د يوم الجنائب ضربا وكيدا

## تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۲۳

«مانند ضربت شدید آهنگران بر شمش آهن در روز گرم که ضربتی است، بسیار سخت»، من معنای شعرش را نفهمیدم و آن را از بعضی فلزکاران پرسیدم، گفتند: این معروف است که هرگاه آهن را در روز سرد از کوره بیرون آوریم، قطع کردن آن احتیاج به صد ضربه دارد و در روز گرم احتیاج به ضرباتی بیشتر و سخت‌تر از آن دارد، زیرا شمال [سردی] فلز را خشک و زمخت و جنوب [گرمی] آن را مرطوب و نرم می‌سازد. (جاحظ، ۱۴۲۴، ج ۴ ص ۴۵۹).

یک معنا از تجربه هم به تجارب شخصی و باطنی عارفان و صوفیان اطلاق می‌شود که مبتنی بر ادراکات کشف و شهودی آنان است. از نظر والتر استیس

کسانی که تجربه عرفانی خاصی دارند، بدهتاً احساس می‌کنند که آن تجربه به معنای خاص، کاملاً منحصر به فرد است و به کلی با هر حسّ و ادراک عادی فرق دارد و به هیچ‌وجه با تجربه‌های حسّی جهان زمانی - مکانی قابل قیاس نیست. هر کس که به آگاهی عرفانی نائل می‌گردد، به ساحتی وارد می‌شود که به کلی بیرون و برتر از ساحت آگاهی روزمره است و با مقیاس‌ها و معیارهای این ساحت، ادراک یا ارزیابی نمی‌شود (استیس، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶).

اما اصطلاح تجارب زیسته بشری به مجموعه معلومات و اندوخته‌هایی اطلاق می‌شود که انسان در مسیر زندگی خود و در مواجهه با امور و مسائل مختلف کسب می‌کند که فراتر از یک سری حدسیات و امور ظنی هستند، بلکه بخشی از مبانی فکری و پیش فرضهای ذهنی او می‌باشند<sup>۱</sup>. این معنا از تجربه برابر با معنای عام تجربه نزد فیلسوفان است. چونکه انسان همانند سایر موجودات طبیعی این عالم در مسیر رشد و تکامل تدریجی قرار دارد و با گذشت زمان، صاحب تجربه و مهارت بیشتری می‌گردد. تجارب هر انسان دربردارنده اطلاعات و آگاهی‌هایی است که توانایی او را برای حل مشکلات و رفع موانع حیات فردی و اجتماعی بالا می‌برد؛ زیرا انسان دارای تجربه قادر است که در مواجهه با امور و حوادث مختلف از علم و اطلاعات پیشین خود بهره گیرد و بنا بر مثل رایج «مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود» نمی‌گذارد که اشتباهاتش تکرار شوند. از حکما هم نقل شده است که درباره نقش و اهمیت تجارب بشری این سخنان را گفته‌اند: «کفی بالتجارب تأدیة، و بتقلب الأيام عظة»؛ «کفی بالدهر مؤدباً و بالعقل مرشداً»؛ «کفی بالدهر مخبراً بما مضی عما بقی»؛ «کفی الزمان مخبراً لذوی الألباب ما جربوا» (ابن عبد ربّه، ۱۴۰۴، ج ۲

ص ۲۷۷). این حد از دانایی و هوشیاری ناشی از تجارب برای ادامه حیات و دفع مضرات احتمالی بسیار ضرورت دارد. از همین روست که تجربه را معلم انسان می‌دانند و عاقل را کسی می‌دانند که از تجارب خود بهره جوید و اشتباهات خود را تکرار نکند و در انجام یک کار پی‌درپی دچار لغزش و خطا نشود (حمدان، ص ۱۸۹).

### ۳. تجارب بشری جزء جداناپذیر زندگی

زندگی انسان بنا بر ساختار شخصیت و گستره رفتار و اندیشه او، عرصه وسیعی از تجارب یا تجربیات ارزنده را به خود اختصاص داده است؛ از تجارب عادی روزمره گرفته تا تجارب ناب عرفانی و عاشقانه.

بنابراین، در حیات انسان همواره تجارب مختلفی وجود دارد که در یک دوره زمانی برای انسان رخ می‌دهند و برای همیشه در حافظه و یاد او می‌مانند. این تجربیات با ارزش هستند، چون به انسان خودآگاهی و آگاهی‌های لازم محیطی می‌دهند و او را برای هر نوع اقدامی در مواجهه با لحظات و حوادث مشابه آماده می‌سازند. برای نمونه قوم عرب عصر نزول قرآن را فرض بگیرید که در مواجهه با آیات قرآن چه واکنشی از خود نشان می‌دادند، خواه ناخواه ساختار و محتوای آیات را با تجربیات و آگاهی‌های خود از اشعار جاهلی و خطابه‌های فصیح مقایسه می‌کردند، و از همین مسیر گروه‌هایی از آنان متوجه تفاوت‌های کلام خدا با سخن بندگانش می‌شدند. به تعبیری «اعراب به دلیل تجربه و عادت از آنچه یک گفتار فصیح را از گفتارهای عادی متمایز می‌سازد آگاهی داشتند و به همین دلیل، در هنگام شنیدن قرآن و برای پی‌بردن به مزیت و برتری آن به تجربه مجددی نیاز نداشتند و بی‌هیچ واسطه‌ای در می‌یافتند که این کلام از حدّ عادت آنان بیرون است (بنت الشاطی، ۱۴۰۴، ص ۱۰۹).

معمولاً انسانها وقتی چیزی را درک و فهم می‌کنند که تجربه‌ای از آن داشته باشند، و بیشتر مواقع این تجربه‌ها می‌بایست از قبیل امور محسوس و متعارف باشند. زیرا «بدیهی است اگر ما درباره چیزی تجربه‌ای نداشته باشیم، معنی آن را درک نخواهیم کرد؛ یعنی نه فقط آن را از نظر زبانی درک نمی‌کنیم؛ بلکه از نظر عاطفی و همسازی اجتماعی خود نیز نمی‌توانیم تعبیر کنیم» (دامن پاک مقدم، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷). بر این اساس نوع مواجهه افراد با تجارب دیگران یکسان نیست و کمتر به تجارب زیسته دیگران نگاه اشتراکی و بر محور



فایده‌مندی دارند. با این حال، انسانی نیست که زندگی خود و دیگران را خالی از هرگونه تجربه تلخ یا شیرینی بداند. می‌توان این امر را یک قاعده حاکم بر زندگی گونه انسان در روی زمین دانست که هر لحظه و دوره از حیاتش در هم آمیخته با تجربیاتی است که در طول زندگی به دست آورده است. دیلتای فیلسوف آلمانی هم معتقد بود «زمان حال لحظه-ای از زندگی است که می‌توانیم تجربه‌زیسته‌ای از آن داشته باشیم» (دیلتای (الف)، ص ۳۶۸). باید در نظر داشت که با گذشت زمان و آمدن نسلهای مختلف اتفاقی که می‌افتد این است که افکار و تجارب و فعالیتها و شیوه‌های زندگی نیز نو می‌گردند (ر.ک: سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵ ص ۲۶۵۹)

تجارب بشر بالضرورة او را آماده می‌سازند تا گرفتار تصمیم نادرست و اشتباه مجدد نگردد، تعبیر «ضرورة التجربة للإعداد» بر همین مطلب دلالت دارد (ر.ک: فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱ ص ۲۶۶). زندگی با این اوصاف، دامنه وسیعی از تجربیات را در بر می‌گیرد که به باور دیلتای «سند و منبعی هستند در اختیار ما که یکی از امکانات بی‌نهایت موجودیت ما را تحقق می‌بخشند» (دیلتای، ۱۳۹۴، ص ۳۹۳). بهترین کار برای استفاده مناسب از آن تجارب، بصیرت و درون‌نگری است. برای این کار فرق نمی‌کند مفسر قرآن باشید یا یک فقیه یا یک متکلم یا یک فیلسوف یا دانشمند طبیعی، چون بالأخره توجه به تجارب حاصل شده از فرایندهای گذشته اهمیت می‌یابد و ضرورت دارد که تلاش شود تا آن تجارب حفظ و از آنها در جریان طبیعی زندگی استفاده شود. در گفتاری از امام علی علیه السلام حفظ و استفاده درست از تجارب نشانه خردمندی دانسته شده است: «وَالْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ وَخَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظْتَ» (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۲). بعلاوه استفاده از تجارب مختلف، انسان را به درجه‌ای از علم و آگاهی می‌رساند تا بتواند بر اسرار بیشتری از طبیعت و مصالح زندگی‌اش دست یابد. لکن باید در نظر داشت که «پیش روی هر یک از ما برای رسیدن به قله علم و دانش مسافتی است که آن مسافت، تذکر نام دارد» (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۶ ص ۳۰). تذکر (یادآوری) از باب اینکه انسان در محل غفلت و فراموشی قرار دارد و با به یاد آوردن آنچه که در گذشته بر سر او آمده است، بهتر می‌تواند برای تصمیم‌ها و رفتارهای بعدی‌اش اقدام نماید.

بنابراین، زندگی انسان چیزی خارج از چارچوب تجارب بشری و واقعیتهای مختلف وابسته به آن نیست و با وجود تحولات گسترده جهان جدید، هر لحظه احتمال تکرار خیلی

از وقایع وجود دارد. مثلاً قصه جنگ و خشونت‌های بشری به عنوان یک تجربه ناموفق از حیات را در نظر بگیرید که بیشتر ناشی از رذیلت‌های اخلاقی و زیاده‌خواهی انسانها بوده است و در زمان معاصر هم احتمال وقوع و تکرار آنها وجود دارد.

#### ۴. تجارب بشری در قامت یک منبع تفسیری

بر اساس اینکه منابع تفسیر «اسناد و مدارکی است که حاوی داده‌هایی مربوط به موضوعی از موضوعات مطرح شده در آیات است و آگاهی از آن، در فهم بهتر آیات اثرگذار است» (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۴)، تجارب بشری هم حامل اطلاعات مناسبی از رفتار گذشتگان یا حیات افراد صاحب تجربه است که در شناخت بهتر احکام و آموزه‌های قرآنی به کار می‌آیند. تجارب انسانی از طرق مختلف به دست می‌آیند که شاید معتبرترین آنها این باشد که خود انسان آنها را تجربه کند و آثار و نتایج آنها را از نزدیک احساس نماید. در محتوای بسیاری از دستورات و احکام قرآن، این برداشت از تجارب انسانی وجود دارد، چون شناخت علت و ملاک احکام مشروط به عمل و تجربه خود مکلفین گذاشته شده است. اینکه نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد (عنکبوت: ۴۵)؛ یاد خدا آرام‌بخش دلهاست (رعد: ۲۸)؛ در قصاص حیاتی نو وجود دارد (بقره: ۱۷۹) جز با تجربه مستقیم افراد در طول زندگی‌شان، قابل فهم و پیاده‌سازی در قالب فرهنگ جامعه نیست. برای مثال، دکتر توماس هایسلوپ می‌گوید: مهمترین عامل خواب آرام‌بخش که من در طول سالهای متمادی تجربه و مهارت در مسائل روانی به آن پی بردم، همین نماز است، من به عنوان یک پزشک می‌گویم مهمترین وسیله ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان که من تاکنون شناخته‌ام، نماز است (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۸).

بخش قصص قرآنی از همه بیشتر با مقوله تجارب بشری ارتباط دارد، چون در درون خود حجم قابل توجهی از حوادث و واقعیتهای تجربیاتی اقوامی را قرار داده است که قرآن آنها را برای اهداف و مقاصد خود به کار گرفته است (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۳، ص ۴۳۹). البته قرآن به آسانی از کنار هر حادثه زندگی گذشتگان نمی‌گذرد، بلکه از آنها مدد می‌گیرد تا مخاطبان خود را به ارکان جهان‌نگری خویش یعنی توحید و معاد متذکر و رهنمون سازد. این بخش قرآن یعنی داستانهای پیشینیان را مجموعه‌ای از پرارزش‌ترین تجربیات آنها دانسته‌اند تا حدی که مدعی شده‌اند که محصول زندگی چیزی جز تجربه نیست (ر.ک:

مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۰۴). آیات ۱۰۹ یوسف، ۹ روم، ۴۴ فاطر، ۲۱ و ۸۲ غافر و ۱۰ محمد به این موضوع دلالت دارند که با سیر و حرکت در نقاط مختلف زمین می‌توانید با چشمان خود ببینید که بر سر اقوام گذشته چه آمده است، اقوامی که از لحاظ قوای جسمانی و موقعیتهای دنیایی از شما بالاتر و برتر بودند. این شکل از اسلوبهای قرآنی بیانگر متوجه و آگاه شدن مخاطبان از تجربیاتی است که از گذشته به زمان حال منتقل شده است و با لزوم توجه به آنها می‌توان قواعد و اصول نجات یا هلاکت یک قوم یا یک شهر را متذکر شد.

در قرآن تجارب بشری به اشکال مختلفی منعکس شده است؛ تجربه بشر در طول تاریخ از ارسال رسولان الهی، تجربه تلخ حضرت موسی (ع) از بهانه‌های قوم بنی اسرائیل، تجربه جنگهای مختلف پیامبر اسلام با مشرکان قریش، تجربه اهل مصر از جهد زیاد حضرت موسی و توانایی‌های خارق العاده حضرت یوسف در اصلاح امور، تجارب تلخ حضرت یعقوب از فرزندانش، تجربه پیامبران از برخورد با همسران خود، تجربه مسلمانان از هجرت و جهاد و بسیار تجارب دیگر که در نگاه نخست، مفسران را ملزم می‌سازد که به چرایی و چگونگی زمینه‌های بروز هر یک از آن تجارب توجه داشته باشند، و در نهایت بکوشند ملاکهای رفتار و قواعد حیات اجتماعی و آداب درست زیستن را از آنها به دست آورند. چون فلسفه بیان آن دسته از تجارب و حوادث زندگی گذشتگان در قرآن چیزی بیشتر از تلاوت و تفنن و مانند آن است، بلکه برای آن است که راهی به سوی تجارب اصیل و مشترک انسانها گشوده گردد، تجاربی که به گفته یکی از مفسران معاصر، به کمک آنها هر انسانی بتواند در مواجهه با حوادث واقعی به درون‌نگری ژرفی از خود دست یابد و سطح دانایی و توانایی خویش را بسنجد تا متوجه نقاط ضعف و قوت خود گردد، حتی با توجه به تنگناهایی که در مسیر زندگی‌اش پدید می‌آید، بتواند سبک نوی از زندگی را تجربه نماید (ر.ک: سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۱ ص ۴۸۲-۴۸۳).

افزون بر آن، قرآن در کنار تأکیدهای بسیارش بر توجه و تنبه به سرنوشت اقوام گذشته، بر آیه بودن همه پدیده‌های هستی نیز تصریح دارد، به نحوی که هر پدیده، نشانه‌ای از قدرت و علم و حکمت الهی دانسته شده است. این مطلب جزء ارکان جهان‌نگری قرآن به شمار می‌آید تا مخاطبان خود را از طریق تذکر و تعقل، در درون تجارب عمیقی قرار دهد که مسئله حضور خدا (The presence of God) در زندگی و نظام طبیعت را احساس کنند.

این مسئله، جوهره آن تجارب عمیق را تشکیل می‌دهد. به همین خاطر، قرآن، سیر در انفس (خود) و در آفاق (جهان) را برای شناخت خداوند تجویز می‌کند تا انسان هم در تجربه درونی و هم تجربه بیرونی خود به نشانه‌های خدا دست یابد. برای این کار به دو منبع مهم معرفت یعنی تاریخ و طبیعت زیاد اهمیت داده است (ر.ک: جلیلی، ۱۳۷۲، ص ۲۱۷؛ لاهوری، ۱۳۴۶، ص ۱۴۶). و بر استفاده درست از استعدادها و نیروهایی چون عقل، قلب، دل، سمع و بصر هم تأکید دارد؛ (ن.ک: نحل ۷۸؛ اسراء ۳۶؛ کهف ۲۶؛ حج ۴۶) استعدادهایی که در وجود هر یک از انبای بشر وجود دارد و هرگونه سوءاستفاده از این استعدادها به باور امام علی علیه السلام می‌تواند به شقاوت و بدبختی فرد منتهی شود: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِّمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَالتَّجْرِيبَةِ ..» (سیدرضی، ص ۴۴۶).

با همه این اوصاف، در فهرستهای مربوط به منابع معرفت بشر از حس و تجربه (به معنای علمی و آزمایشگاهی) و تجربه (به معنای عرفانی و شهودی) آن در کنار سایر منابع معرفت یاد شده است. مفسری چون علامه طباطبائی بر نقش عقل در فهم شریعت و دقت در احکام و قوانین و رسوم رایج بین امتهای مختلف تأکید داشته و مراجعه به تاریخ و سرگذشت ملل مختلف را معقول و مرجوح دانسته است (ر.ک: طباطبائی، ج ۲ ص ۲۶۰-۲۶۱). مفسر معاصر وهبه زحیلی هم تنها به نقش تجارب بشری در کنار وحی و عقل و حواس آدمی اشاره کرده است (ر.ک: زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۶ ص ۱۳؛ ج ۱۰ ص ۱۸).

شهید صدر نیز در طرح مباحث شناخت تفسیر موضوعی به تأثیر تجارب بشری در تبیین دقیقتر هر موضوع قرآنی توجه نموده است، هر چند در نوشته‌های ایشان سخنی از منبع بودن آن تجارب به میان نیامده است، اما به نقش تجارب بشری در پربار ساختن تفسیر موضوعی و کاربرد آنها در کشف فهم راستین و بینش اصیل اسلامی اشاره شده است. در رویکرد ایشان، مفسر به جای آغاز نمودن فرآیند تفسیر از متن قرآن، به واقعیت‌های زندگی آدمی و تمامی تجارب بشری توجه نموده و میراث فکری و اندیشه‌های انسانی فراگرد یک موضوع را به اندازه توان به پیشگاه قرآن می‌برد. مفسر براساس این اندوخته بشری، مبتنی بر ساختار «پرسش و پاسخ» به «گفتگو» با قرآن می‌پردازد تا در نهایت بتواند نظر این کتاب الهی را درباره موضوع مورد نظر خویش جویا گردد. در نگاه شهید صدر، تعبیر «استنطاق» در حدیث «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱ ص ۶۱؛ شریف رضی، ص ۲۲۳) که بیان لطیفی از رویکرد موضوع محور به قرآن است. مفسر تلاش دارد تا با ورود به «گفتگو با

تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۲۹

قرآن»، این متن الهی را به نطق درآورده و با ضمیمه نمودن تجارب بشری به آن، تمامی آیات مرتبط با آن موضوع را به شکل مجموعی مورد مطالعه قرار دهد (صدر، بی-تا، ص ۲۵-۲۶؛ حکیم، ۱۴۱۷، ص ۳۴۵).

تعدادی از مفسران قرآن هم معتقدند راه شناخت دقیق تجارب مختلف برای همه میسر و یکسان نیست، بلکه به نوع خاصی از علم؛ یعنی خبرگی نیاز است، چون که «خبره بودن تنها از طریق تجربه حاصل می‌شود» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲ ص ۴۲۴). در این راستا، خبیر را هم کسی دانسته‌اند که «.. فتفیده التجربة والاعتبار علماً و لولاهما ما علم..» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲ ص ۱۴۶). در چنین چارچوبی، تجارب بشری اعتبار و حجیتی معین می‌یابند، چون بر علم و آگاهی انسان می‌افزایند و میزان دقت و ظرفیت عبرت‌پذیری او را بالا می‌برند.

بنا بر آنچه در تفکیک معنای تجارب بشری از تجربه در معنای فلسفی و عرفانی آن بیان شد، این گونه فهمیده می‌شود که تجارب بشری در صورت سنجشگری خردگرایانه و انطباق با اصول و قواعد عقلی زندگی و مطابقت با مضامین کلی شریعت، قابلیت معرفی و استفاده به عنوان یک منبع معرفت بشری به معنای عام و منبع تفسیری به معنای خاص آن را دارا می‌باشند.

## ۵. تجارب بشری در چشم‌انداز تفاسیر قرآن

خوشبختانه بعضی از مفسران قرآن به تجارب بشری در همان معنای عام آن توجه داشتند، ولی به منبع تفسیر بودن آنها در کنار سایر منابع تفسیری نپرداختند، منتهای مراتب در گفتار آنان عباراتی آمده است که بیانگر اهمیت تجارب بشری در شناخت بهتر آیات قرآن است. طرفداران اعجاز علمی قرآن، بیشتر به تجارب علمی و مشاهدات واقعی مراجعه داشته- اند (ر.ک: یوسف حاج، ص ۱۸۵ و ۶۹۷ و ۷۶۷؛ صادق عبدالرضا، ۱۴۱۱، ص ۱۰۱ و ۱۱۰). یکی از مفسران از نقش تجارب متراکم علمی و عملی بشر در رشد تمدن انسانی با تکیه بر قوه زبان خبر داده است (ر.ک: مدرسی، ج ۱۴ ص ۲۸۴)؛ مفسری دیگر، تجارب و مشاهدات انسان را راهی به سوی شناخت حقایق هستی دانسته است، ولی توقف در حد تجارب فردی و مشاهدات ظاهری را به معنای عالم بودن ندانسته است (ر.ک: سید قطب، ج ۵

ص ۳۰۴۲). همان مفسر در بیان چیستی امر رسالت، یکی از نیازهای صاحب رسالت را داشتن تجارب انبوه به همراه ادراک و شناخت واقعتهای زندگی دانسته است:

امر رسالت یک تکلیف سنگین و مشقت بار و دارای جوانب و تبعات بسیار است، صاحب آن نیز در کنار لطف و الهام الهی به تجارب و ادراک و معرفت و ذوق در واقعتهای زندگی عملی نیاز دارد تا قلب و ضمیرش به انجام آن اطمینان یابند (همو، ج ۵، ص ۲۶۹۰).

یکی دیگر از مفسران، ذیل آیه ۷۹ انبیاء این گونه گفته که تجارب بشری اثبات کردند که بیشتر حیوانات و پرندگان نوعی آواز و موسیقی دارند (ر.ک: مغنیه، ج ۵، ص ۲۹۲). همان مفسر معتقد است که تجارب زیادی گواه بر این مطلبند که پایداری و صبر بر شدائد عامل نیل به پیروزی است: «تجارب زیادی دلیل و گواهند بر اینکه هیچ جنگاور، رجل سیاسی، بازرگان، دانشمند، ادیب، کارگر و کشاورزی به آنچه دلش می خواهد نرسید مگر پس از پایداری و صبر بر سختی‌ها» (مغنیه، ج ۲، ص ۱۸۳).

مواردی که ذیل آورده می شود بخشی از توجه مفسران به مقوله تجارب بشری است که از محتوا و مدلول آنها می توان به ارزش و کارکرد تجارب مختلف بشری در کشف و شناخت بهتر مراد خداوند پی برد. با اینکه چنین نگرش و رویکردی در میان این نوع از مفسران وجود داشته، اما دقیقاً معلوم نیست که چرا شاهد شکل گیری و خلق یک تفسیر قرآن بر محور تجارب زیسته بشری یا حداقل در کنار سایر منابع تفسیر به شکل گسترده نیستیم؟ شاید به این علت که تجارب هر فرد برای خود او اهمیت دارد یا اینکه تجارب زیسته تکرار نشدنی هستند و از لحاظ کمیت و حجم بی شمارند و نمی توان همه آنها را به کمک فهم و تفسیر آیات آورد. اما آنچه مهم است اینکه در میان حجم انبوه از تجارب بشری مواردی بسیاری هستند که مشترک و فایده همگانی دارند.

## ۱.۵ درک چرایی حکم ومدلول آیه

هر یک از احکام الهی در زمینه و متناسب با حال مخاطبان خود تشریح شده است. درک اینکه چرا احکام به فلان شیوه وضع شده اند، مسیر عمل به آنها را هموار و ساده می سازد؛ به خصوص پس از آنکه ابعاد عقلانی تعبد به آنها هم آشکار گردد. فخر رازی در تفسیر آیه

تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۳۱

۲۲۹ بقره به حکمت "حق رجعت در طلاق" اشاره می‌کند و کیفیت شناخت فرد از همسر خود را به تجربه حاصل از دوری از وی وابسته می‌داند:

انسان مادامی که با شریک زندگی‌اش است تشخیص نمی‌دهد که دوری و مفارقت آیا برای او سخت است یا خیر؟ همین که از او جدا شود متوجه آن خواهد شد. اگر خدا یک بار طلاق را مانع رجوع قرار می‌داد، مشقتی بر انسان حمل می‌شد به این علت که محبت بعد از دوری ظاهر می‌شود. از آنجا که تجربه کامل با یک مرتبه به دست نمی‌آید، لاجرم خدای متعال حق مراجعه را دوبار قرار داد. چون انسان در دوران جدایی خودش را در محک تجربه قرار می‌دهد و حال درونی خود را بهتر می‌شناسد، پس اگر صلاح خود را در نگه داشتن همسر ببیند بر می‌گردد و امساک به معروف می‌کند، و اگر هم صلاح خود را در طلاق او ببیند او را به نیکی طلاق می‌دهد (تسریح بالمعروف) و این مراتب تدریجی در امر طلاق بر کمال رحمت و رأفت خداوند بر بندگانش دلالت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۲، ج ۶ ص ۴۴۴).

مفسری چون علامه طباطبائی هم به نقش تجارب و کارکرد آنها در فهم برخی مسائل واحکام توجه داشته است. مثلاً ایشان در بحث روایی ذیل آیه ۲۱۹ بقره که در موضوع تحریم خمر است این تعبیر را آورده است: «و الروایات تفسر بعضها بعضاً، والتجارب والاعتبار یساعدانها» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۲ ص ۱۹۲؛ و نیز: ج ۳ ص ۵۹؛ ج ۵ ص ۲۶۹).

در فهم بهتر مدلول آیات، تعدادی از مفسران معاصر بیشتر از دیگران کوشیدند که از تجارب علمی و آزمایشگاهی برای فهم مدلول آیات استفاده نمایند. مثلاً مفسری در تفسیر آیه: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ..» (انعام: ۱۲۵)، حالت صعود به آسمان را مساوی با کمبود اکسیژن دانسته که قرآن از این واقعیت و پدیده طبیعی برای بیان مراد خود استفاده اعجازگونه کرده است و هر مفسری می‌تواند این مسئله را به فراخور تجربیات زمانه خود درک کند: «لأن كل مفسر يفهم المسألة بحسب التجربة التي عاشها في زمانه، أو بحسب المعلومات المتوفرة لديه والله العالم» (فضل الله، ج ۹ ص ۳۲۲). علاوه بر این، از تجارب عملی بعضی از افراد هم برای درک بهتر مدلول آیه ۲۱ مؤمنون: (وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسَقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ) این گونه تعلیل کردند:

از تجارب کسانی که به شکل گیاه‌خواری زیست می‌کنند فهمیده می‌شود که آنان مبتلای به اضطرابها و بیماری‌هایی هستند که زردی چهره‌شان گواه بر آن است و این برمی‌گردد به اینکه پروتئین و پاره‌ای عناصر اساسی موجود در گوشت هرگز در هیچ گیاهی موجود نیست و اهمیتی که قرآن به خوردن گوشت داده است ناظر بر همین معناست ( مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۲ ص ۳۳۳).

در حوزه مباحث مربوط به رابطه قرآن و علم که امروزه مطرح است، استفاده از تجارب و کشفیات علمی رونق بیشتری یافته است، زیرا در هر صورت، موضوع‌های قرآنی در درون گفتمان‌های علمی معاصر مطرح می‌شوند و بنا بر اشارات علمی قرآن، گرایش به بهره‌مندی از تجارب علمی بشر هم شکل می‌گیرد. برای مثال یکی از مفسران معاصر در تفسیر آیه (وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ) ق: ۳۸ که به موضوع خلقت آسمانها و زمین در شش روز اشاره دارد این گونه بیان داشته است: «و قد دلت بعض التجارب العلمية على أن اكتمال خلق السماوات والأرض بهذه الصورة الحالية، استوعب ستة مليارات «كل مليار ألف مليون» من السنوات - سنة بتقديرنا الحاضر و العلم عند الله» ( حسینی شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۵ ص ۲۲۸).

## ۲.۵ شناخت بهتر محیط و افراد

تجربه اینکه فلان فرد در دوران حیات خود مقید به انجام رفتارهای درست و در چارچوب اخلاق و حقوق بوده است، تنها برای کسانی محرز است که با او همزیستی داشته‌اند و بارها به مشاهده و آزمون دیده‌اند که او عدولی از آن چارچوب نداشته است. این مطلب مهمی است برای کسانی که در مقام شناخت محیط و افراد هستند و می‌خواهند افرادی را برای پست و منصب‌های کلیدی انتخاب کنند و به تبع آن تصمیمات و برنامه‌های مهمی هم بگیرند. این نوع تجربه‌ها حامل اطلاعات مفید و مظاهری از حیات بشری است که قابلیت استفاده در تحلیل و تبیین واقعیتهای مهم را دارند. برای نمونه همنشینی زیاد با یک گروه از افراد شرور و بدکار روی رفتار و عاداتی آدمی تأثیر می‌گذارد و راه تشخیص هرگونه تغییر در رفتار او، تجربه و مشاهده است: «و قد تضافرت الأدلة السمعية و التجربة على أن مصاحبهم [الأشرار] تورث القسوة و تثبط عن الخير» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸ ص ۴۶۰)



تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۳۳

در پاسخ به این سؤال که آیا تشابه انسانها به معنای برابری آنها در کمالات و فضائل است؟ بهترین روش برای پاسخ، تمسک به مشاهدات و تجربیات است. زیرا

مشاهده و تجارب بر تفاوت زیاد بین افراد بشر در عقل و فکر و اندیشه و اخلاق و اعمال دلالت دارد، حتی نشان می‌دهند که یکی از آنها به کمک علم و عمل قصد اصلاح مردمش را می‌کند در حالی که هزاران انسان در نسلهای بعد چنان توانایی را ندارند (مراغی، بی تا، ج ۱۲ ص ۲۷)

رفتار منافقین در مواجهه با پیامبر اکرم (ص) حاکی از نوعی شناخت در خور توجه از شخصیت و ویژگی‌های رفتاری او بوده است، اما به جهت نفاق و روحیه حق پوشانی خود دست به استهزای ایشان می‌زدند. در آیه ۶۴ توبه به این واقعیت تاریخی اشاره شده است که: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزَؤُا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ». طبق یک تفسیر «چون آنها به آیین رسول الله کافر بودند، لذا مدام مشاهده می‌کردند که رسول الله آنها را از آنچه در ضمیر و درون خود مخفی کردند؛ آگاه می‌سازد، روی همین تجربه، ترس و خوف در دل‌های شان می افتاد» (فخر رازی، ج ۱۶ ص ۹۳).

قاعده معرفت‌شناختی *فليس العيان كالبيان، ولا التجارب كالفرض والتقدير* بر این مطلب دلالت دارد که در فهم خیلی از مسائل نیاز به فرضیه‌سازی و تقدیرگرفتن چیزی نیست، تجارب زیسته افراد حکایت از عین واقعیت دارد. علامه در تفسیر آیه «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران: ۱۰۳) به همان قاعده استناد جسته و گفته که مخاطبان اولیه این آیات پیش از اسلام آوردن در محیط ناامنی بودند و خطرات و تجارب آن شرایط سخت و ناامن همراه شان بود، و بعد از ایمان آوردن محیط امن و مطمئنی را احساس کردند، لذا خطاب به (اذکروا) بیشترین تأثیر را در نفوس آنها دارد و به همین خاطر خطاب در آیه و اساساً دعوت الهی بر اساس مشاهده و وجدان بنا شده است تا حدس و فرضیه (ر.ک: طباطبائی، ج ۳، ص ۳۷۱-۳۷۲).

این سطح از استفاده از تجارب بشری را در اندیشه تفسیری آیت الله خوئی هم می‌توان دید. ایشان در توضیح وجه اعجاز و هماهنگی قرآن می‌گویند: «هر انسان عاقل، مطلع و با

تجربه به خوبی می‌داند کسی که بر پایه دروغ و افترا، تشریح و قانون گذاری کند یا سخن گوید، قهرا در سخنان و قوانین وی تناقض‌هایی دیده می‌شود» (خوئی، بی‌تا، ص ۵۷).

### ۳.۵ شناخت بهتر امور و مسائل زندگی

انسان بعد از تجربه کردن زیاد برخی امور و حوادث به خودآگاهی لازم درباره آنها دست می‌یابد و تشخیص می‌دهد که در رویارویی مستقیم با آنها چه باید کرد. بعد مهارتی رفتار انسان از همین جا شکل می‌گیرد. در برخی متون تعبیر به (کثرة النظر مع التجربة) آمده است که ناظر به همین معناست. مثلاً آلوسی در بحث چیستی علم کیمیا نظرات دانشمندان مختلف یونان و ایران را آورده و وقوع آن علم را ممکن و اصل و منشأ آن را وحی الهی دانسته است؛ البته برای کسانی که اهل تصفیه و کثرت نظر به همراه تجربه باشند (نک: آلوسی، ج ۱۰ ص ۳۲۳). در معنای بسط علم در تعبیر قرآنی (وزاده بسطة فی العلم و الجسم) بقره: ۲۴۷، گفته شده: «مراد از بسط در علم یعنی داشتن افق دید وسیع و کثرت تجارب» (ابوزهره، بی‌تا، ج ۲ ص ۲۸۲).

گاهی زمان می‌برد تا انسان به واسطه تجارب خود و هم‌نوعانش به درک بهتر یک واقعیت یا پدیده اجتماعی پی ببرد، ولی در عوض ارزش و کاربرد ماندگار آن تجارب زمینه تجارب زیسته جدیدی برای او می‌گردد. برای مثال

بشر در طول حیات خود مدام شاهد غلبه با زور و اجبار امور و عوامل جسمانی بر امور و عوامل معنوی بوده است و دیده است که غلبه کنندگان بر سبیل استبدادگران چه عده‌ای را کشته یا اسیر کرده‌اند و با تحکیم و تهکم هر کار که می‌خواستند انجام دادند، اما به حکم تجارب بشر و حکم برهان روشن گشته است که اجبار و زور دوامی ندارد، و سلطه بیگانگان بر امتهای زنده پایدار نیست و فقط مدت اندکی خواهد بود (طباطبائی، ج ۲ ص ۱۸۶).

در آیاتی از قرآن آمده است که اعمال ریز و درشت انسانها ثبت می‌شوند و روز قیامت هر کسی نامه اعمال خودش را به دست خواهد داشت. (بنگرید: کهف: ۴۹؛ اسراء: ۷۱؛ حاقه: ۱۹؛ انشقاق: ۷) اینکه چرا قرآن از واژه کتاب (نامه) استفاده کرده است؟ به تجربه همه ما مشاهده کرده‌ایم که چگونه نقوش مختلفی بر روی صفحات شکل می‌گیرند و مدتها باقی می‌مانند. نقش بستن اعمال مختلف بر صفحه ذهن و ضمیر ما هم از همین باب است که

تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۳۵

دراثر تکرار آن اعمال جوهر وجود ما را فرا می‌گیرند و جزء ملکات نفس می‌گردند. روشن است که تجربیات و مشاهدات انسان در فهم این موضوع چقدر اهمیت دارند (ر.ک: فخر رازی، ج ۲۰ ص ۳۱۰).

یکی از مفسران معاصر در تفسیر آیه ۹ سوره نبأ: (وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا) به کمک تجارب علمی بشر، آیه را این گونه شرح و تفسیر داده است که خواب نیاز اساسی بدن انسان است، تعبیر (سبات) اشاره به تعطیلی موقت اعضای بدن برای استراحت و نیرو گرفتن دارد و تجارب علمی اثبات کردند که سرعت پذیرایی ذهن انسان بعد از مدتی خواب به شکل طبیعی و آرام بیشتر می‌شود و از ساده‌ترین راههای شکنجه دادن انسان هم محروم ساختن او از خواب است. همچنین اثبات شده است که توانایی انسان برای تحمل بی‌خوابی بسیار ضعیف است، و اگر فردی سعی کند آن را امتحان کند، مدت کوتاهی نمی‌گذرد که سلامتی او به خطر می‌افتد و مریض می‌شود (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۹ ص ۳۳۰).

از طریق تجارب بشری است که می‌توان شکل کامل و نقصان خیلی از مفاهیم و عناصر دخیل در سعادت و شقاوت انسان را فهمید و اذهان آیندگان را برای تداوم راه خوشبختی گونه انسان خردمند هموار ساخت. برای نمونه، اجتماع کامل بنا بر تجارب زیسته بشر چه جامعه‌ای است؟ جوامع شکست خورده و منقرض شده کدامند؟ این پرسش از منظر فلسفه تاریخ و فلسفه اجتماعی پرسش معناداری است. علامه طباطبائی به این مطلب توجه نشان داده و چنین گفته است:

اجتماع کامل آن اجتماعی است که بنیانهای آن بر اساس اتحاد کامل و محکم بنا شده و همه حقوق فردی و اجتماعی شهروندان در آن به طور کامل رعایت می‌شود، چنین جامعه‌ای مستحق بقا و غیر آن شایسته فنا و انقراض است. و تجارب [تجربیات بشر] هم بیانگر بقای امتهای زنده و مراقب وظائف اجتماعی خود، و هم بیانگر نابودی امتهای به واسطه پراکندگی دلها و نشر نفاق و شیوع ظلم و فساد و ریخت و پاش بزرگان و نابودی بنیانهای اساسی جامعه است (طباطبائی، ج ۲ ص ۳۰۱).

بعلاوه اگر بخواهیم بدانیم که یک امت پیروز و صالح چه ویژگی‌هایی دارد، به کمک تجارب زیسته بشر می‌توان اصلی‌ترین خصوصیات و استوانه‌های حیات آنها را ترسیم کرد.

آن گونه که مراغی مفسر معاصر در تفسیر آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) بیان داشته است:

صلاح امت بر چهار ستون استوار است: یک، پیشوایان دانشمند و متفکر و حاکمان عادل آن که از هرگونه ظلم و جور و تهدید دور باشند. دو، ارتش منظم و متشکل از مهندسان و مخترعان و فرماندهان برجسته و مجهز به سلاح پیشرفته جنگی و دفاعی از قبیل هواپیماها و کشتی‌های جنگی و سربازان آگاه به فنون جنگی، سه، صاحبان مشاغل مختلف که هریک وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهند و حس تعاون و همکاری با یکدیگر را داشته باشند، چهار، نظم و برنامه‌ریزی در میان همه اقشار جامعه تا به بیگانه نیازی نباشد و در هر صنفی افرادی ممتاز وجود داشته باشد و در زمینه‌های رشد آن تفکر کنند و در رقابت با امتهای دیگر بهترین تدبیر و برنامه را داشته باشند. این چارچوب را تجارب سایر اقوام هم تأیید می‌کند، چون که هیچ ملتی نیست که در این موارد یا یکی از آنها اهمال کند جز اینکه محکوم به فنا و نابودی خواهد بود و تاریخ اقوام ایرانی، رومی و ملت‌های مسلمان و... بر صدق آنچه گفتیم دلالت دارند (مراغی، ج ۱۷ ص ۷۶-۷۷).

#### ۴.۵ ابزاری برای تفکر و علم و عبرت‌آموزی

افراد در استفاده از قدرت مشاهده و تجربه اندوزی خود یکسان نیستند. معمولاً برای بیشتر مردم این امر همراه با غفلت و کم‌توجهی است. به دلالت آیات قرآن نیز تنها برای اهل ایمان و تعقل (صاحبان خرد) است که هر تجربه‌ای می‌تواند زمینه شناخت و تعهدات بیشتر گردد و سودبخش باشد. اولین تجلیات شناخت آدمی در حواس ظاهری و تجربه مستقیم او از اشیا بروز می‌یابد، بعد از آنکه تجارب متعدد انباشته شد؛ نوبت عقل فرا می‌رسد که ربط و نسبت آن تجارب با یکدیگر را به تحلیل و تعقل برد، این فرایند در صورت تداوم به تفکر در چند و چون اشیا منتهی می‌شود (ر.ک: مدرسی، ج ۶ ص ۸۶-۸۷، ج ۱۶ ص ۲۲۱). اینکه افرادی دارای تجارب زیسته زیادی هستند ولی نمی‌توانند درست از آنها برای بهینه‌سازی رفتار و عملکرد خود استفاده کنند، به این علت است که انباشت تجارب در ذهن و فکر آنها نظم و ساماندهی لازم را ندارد، گوئی یک سیستم مغشوش و به هم ریخته است که امکان تعقل و تفکر بر روی آن تجارب را به فرد نمی‌دهد. و از آنجا که به گفته امام علی علیه السلام میان تجارب زیسته انسان با پندپذیری او رابطه مستقیم وجود دارد: «وَمَنْ لَمْ يَنْفَعَهُ اللَّهُ

تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۳۷

بِالْبَلَاءِ وَالتَّجَارِبِ لَمْ يَنْتَفِعْ بِشَيْءٍ مِنَ الْعِظَةِ» (سیدرضی، ص ۲۵۴) نمی‌توان افراد پندپذیری را تربیت کرد بدون آنکه در چستی تجارب زیسته خود و دیگران تعقل و تفکر داشته باشند، و این تلاش وقتی خوشایند خواهد بود که آگاه باشیم که

کوشش عقلی برای برداشتن موانعی که جهان در پیش پای ما می‌گذارد، علاوه بر آنکه زندگی ما را وسعت می‌بخشد و ثروتمند می‌کند، بینش ما را نیز افزایش می‌دهد و به این ترتیب ما را برای برخورد با جنبه‌های دقیقتر تجربه بشری مسلط‌تر می‌سازد (اقبال- لاهوری، ۱۳۴۶، ص ۱۹).

## ۵.۵ ابزاری برای اثبات بعضی دیدگاهها

به زعم خیلی از مفسران، بشر در طول حیات خود تجاربی را به دست آورده است که با استناد به آنها می‌توان محتوا و مدلول بعضی از نظرات و دیدگاهها را درست فهمید. اینکه به دلالت علم و تجارب، اشاعه زنا سبب گسترش خیلی از مریضی‌ها می‌شود (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۲ ص ۱۰۴)؛ یا اینکه در بیشتر مواردی که انسان چیزی را خوش ندارد در آن خیری هست (ر.ک: مراغی، بی تا، ج ۴ ص ۲۱۴) و اینکه شادی موجب شفای خیلی از امراض و نیروبخشی به روح و بدن می‌شود (ر.ک: همو، ج ۱۳ ص ۳۸). در همین مورد صاحب تفسیر الکاشف ذیل آیه ۹۶ یوسف (فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا) چنین گفته است: «فكثيراً ما شفى السرور و الفرح من الأمراض، و تجارب الطب شاهد صدق على ذلك» (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴ ص ۳۵۵)؛ اینکه ظالمان وقتی محکوم به قصاص و عقاب می‌شوند همه مردم حتی حامیان‌شان آنها را ترک می‌نمایند (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶ ص ۸۸) و اثبات اینکه محبت قوی‌ترین عامل طاعت است (ر.ک: مدرسی، ج ۱۰ ص ۳۸۴)، و کشف چرایی تحریم گوشت خوک بر اساس تجارب محسوس علمی (ر.ک: قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۱ ص ۴۷۷) و غیر آن، همه این موارد نشان دهنده ارزش و فایده تجارب بشری در خط تدریجی تکامل نوع انسانی است.

## ۶. فهم آیات قرآن در پرتو تجارب بشری

بر محققان پوشیده نیست که قرآن در بردارنده مسائل و نکات ارزشمندی است که از طریق وحی بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد و صورت زبانی به خود گرفت. آنچه اهمیت دارد این است که مفسران قرآن بکوشند از همه منابع معتبر معرفتی برای کشف و درک آن مسائل و نکات کمک گیرند. مفسرانی از قرآن کوشیده‌اند که در شناخت و درک بعضی امور و مسائل بیان شده در قرآن از تجارب علمی و عملی بشر کمک بگیرند. برداشت معمول نزد همه این گروه از مفسران این بوده است که تجارب بشر به طور خاص تجارب محسوس ناشی از کشفیات علمی و آزمایشگاهی در فهم پاره‌ای از مفاهیم و احکام قرآنی کاربرد دارند. اما به این نکته کمتر پرداختند که ساختار قرآن این ظرفیت را دارد تا مخاطبان خود را در مسیر کسب تجارب مستقیم و مشاهدات شخصی قرار دهد. برای مثال اگر در قرآن آمده که در صبح و شام ستایشگر خدا باشید؛ یا به فقیران و مستمندان صدقه بدهید و در خوردن و آشامیدن اسراف نکنید و حتی جسم خود را پاک نگه دارید، برای این است که همه به این تجربه عملی دست یابند که با انجام درست این قبیل امور واحکام در کنار تقویت ایمان و توکل قلبی خود به چه مقامات معنوی و مراتب انسانی دست می‌یابند.

شاید از همه واقعیهایی که قرآن بیان داشته است، واقعیت حس شهود اندامها و حالات روحی و روانی انسان برای بحث ما با اهمیت‌تر باشد، زیرا با حس و شهود مستقیم خود فرد ارتباط دارد؛ چیزی که در خیلی از مواقع می‌تواند به یک امر وجدانی و آگاهی بخش تبدیل شود. اینکه مثلاً خواسته شده: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا» (مائده: ۸)، این مطلب را تداعی می‌کند که چه وقت امکان دارد که انسان نگذارد کینه و دشمنی او از عده‌ای سبب بی‌عدالتی‌اش شود؟! روشن است که این امر میسر نمی‌گردد مگر بعد از توجه و تفکر در تجارب زیسته و رساندن فرد به مرزهای خودآگاهی و خودباوری. زیرا افراد به مجرد مواجهه با ذات خودآگاه خویش، حالت هوشیارانه به خود می‌گیرند و انتخاب و رفتار معقول‌تری از خود نشان می‌دهند.

تجربه انسان از حالات امید و نومیدی، ترس و شجاعت، عشق و نفرت، صداقت و دروغ، شادی و غم، تنهایی و در جمع بودن، لذت و درد و اموری دیگر همیشه با اوست، و بخشی از شخصیت و ذهنیت او نیز هستند؛ مادام به اینکه هیچ تمایلی به تغییر آنها نداشته باشد. یک انسان غرق در لذت به دنبال این آرزوی خود می‌رود که همواره در محیطی

سرشار از لذت و خوشی و امنیت قرار گیرد، در مقابل انسان دردمند هم به دنبال آن است که از مجموعه دردها و رنجها و بدبختی‌های زندگی رهایی یابد و به لذت و خوشی سرشاری دست یابد. زیرا آنها از تجارب زیسته خود جدا نیستند و آن تجارب آنها را به این سطح از آگاهی و هوشیاری رسانده است که توان زیستن در محیطهای پر از درد و رنج و ناامنی و بیماری را ندارند. قصه بهشت و جهنم در آیات قرآن با چنین فلسفهای بیان شده است تا انسانها متوجه باشند مسیر رسیدن به بهشت هر مسیری نیست؛ بهشتی شدن مشروط به داشتن یک سری خصوصیات نیک و فضیلت‌مند است. قرآن به همین علت به تجارب زیسته بشر و الگوهای آشنای او در زندگی دنیا توجه داشته است، در آیات زیر بهشت با توجه به آشنایی انسان در همین دنیا و تجارب زیسته حاصل از برخورداری از نعمات مختلف توصیف شده است تا برای مخاطب تقریب به ذهن گردد:

«..كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵)

«الَّذِينَ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُنمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (انعام: ۶)

«وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ \* لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» (یس: ۳۴-۳۵)

در قلمرو روابط انسانی و عکس العمل‌های آنها با یکدیگر تجارب ارزنده‌ای وجود دارد که ممکن است هر زمانی تکرار شوند. ضریب خطاپذیری انسان در این قلمرو خیلی بالاست، چون در مقام مواجهه و خوداظهاری با دیگران قرار دارد. هر عملی می‌تواند عکس العمل متناسب یا متضاد با آن را به دنبال داشته باشد. با توجه به آیات زیادی که به مناسبات و روابط انسانها با یکدیگر اشاره دارند، مفسران قرآن به استفاده حداکثری از مخازن اطلاعات تجارب بشری نیاز دارند. آیاتی که به سه تیپ شخصیتی مهم یعنی مؤمنان و کافران و منافقان اشاره دارند، در رأس کار مفسر قرار می‌گیرند، زیرا این آیات معمولاً به دنبال القای این مطلبند که زندگی بر منوال افکار و عقائد هر یک از آنان دربردارنده تجارب متفاوتی است که بعضاً ممکن است تجربه‌ای از نوع «صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهْمٌ لَّا يَرْجِعُونَ» (بقره: ۱۸) باشد.

از منظر انسان‌شناسی فرهنگی نیز مطلب مهمی است که قرآن بخش بسیاری از آیات خود را بر محور روابط زیسته انسانی سه گروه مذکور بنا نهاده است، چون فرهنگ یک جامعه متأثر از مقولاتی است که به رفتار، شخصیت و شناخت نوع فعالیت‌های مردم آن بستگی دارد، در این میان، دایره ارتباطات و تأثیرپذیری افراد هرچه گسترده‌تر باشد، آن فرهنگ تحولات بیشتری را تجربه می‌کند. فرهنگ امر پویا و زنده‌ای است که به هویت ملی و ابعاد معرفتی، عاطفی و اعتقادی افراد و تجارب زیسته آنها در موقعیت‌های مختلف و با اهداف متفاوت نظر دارد. مطابق محیط و شرایطی که قرآن ترسیم کرده است؛ تجربه زیسته حاصل از کفر و نفاق ورزیدن سرشار از نتایج منفی و تخریبی برای فرد و فرهنگ جامعه است. در آن سو، دعوت قرآن به تقوای و ایمان‌داری و اعمال نیک در صورت حفظ و مداومت بر آنها، تجارب مفید و آباد کننده‌ای را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد.

## ۷. نتیجه‌گیری

مهمترین نتایج این پژوهش عبارتند از:

۱. تجارب بشری قلمرو وسیعی از همه آن اموری را در برمی‌گیرند که انسانها حس و تجربه مستقیم از آنها دارند، یا در شهود درونی خود آنها را تجربه کرده‌اند.
۲. انسان در طول زندگی، تجارب متنوعی کسب می‌کند که در پیوند با خودآگاهی او قرار دارند. در این تجارب، اطلاعات زیادی برای استفاده‌های بعدی او وجود دارد، اما میزان بهره افراد از آنها همواره یکسان نیست؛ چه مواقعی که علل و اسباب غفلت و فراموشی، ارزش و سطح استفاده از آن تجارب را پایین می‌آورند.
۳. بخش زیادی از آیات قرآن بیانگر تجارب اقوام، افراد و گروههایی از گذشتگان و هم‌زمان نزول قرآن است که برای اهدافی چون درس‌آموزی، عبرت و تنبیه به خویشتن نازل شده‌اند و معمولاً این نوع آیات محل توجه و تأملات مفسران بوده است.
۴. محتوای آیات مربوط به احکام و دستورات دین نیز مکلفین را در مسیر کسب تجارب ارزنده و تعالی بخش قرار می‌دهند.



تحلیل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۴۱

۵. ابزار و نیروهایی چون چشم و گوش و قلب و عقل که خداوند به همه انسانها بخشیده است، زمینه‌های کسب تجارب علمی و عملی زیادی را در اختیار بشر قرار می‌دهند.

۶. گروهی از مفسران قرآن به جهت مراجعه و استفاده از منابع مختلف برای تبیین بهتر آیات، خواه ناخواه از داده‌های بدست آمده از طریق حس و تجربه بیرونی و مشاهدات قلبی ناشی از تجربه درونی انسانها استفاده کرده‌اند، اما ضرورت دارد رویکرد جامع و مستمری به آن دسته از تجارب علمی و عملی بشر داشته باشند که حامل اطلاعات و معلومات مناسب از نوع انسان و خصلتهای رفتاری و گرایشهای فطری او هستند.

۷. تعدادی از مفسران معاصر به نقش و کارکردهای تجارب بشری در جریان فهم و تفسیر قرآن توجه نشان داده‌اند و کوشیدند از نوع تجارب موفق عملی و تجارب علمی و آزمایشگاهی در تبیین بعضی احکام و آموزه‌های قرآنی بهره جویند، اما به تجارب مختلف بشری به مثابه یک منبع مستقل تفسیری کمتر پرداختند.

### پی‌نوشت

۱. باید توجه داشت که موضوع تجارب زیسته بشری بنا بر تلازم آن با ذهنیت و پیش فرضهای فرد مفسر با مباحث حوزه هرمنوتیک (دانش فهم و تفسیر متن) مرتبط می‌گردد که این خود نیازمند بحث و تحقیق مستقلی است تا بنا بر قواعد و اصول بحث در دانش هرمنوتیک مشخص گردد که معرفی تجارب زیسته بشری به عنوان یک منبع تفسیری متناسب با کدام نحله هرمنوتیکی خواهد بود آیا مفسر به کمک تجارب زیسته خود و دیگران متن را مستقل از نیت و قصد گوینده تفسیر کند یا اینکه متن را در جهت کشف مقصود گوینده تفسیر نماید؟

### کتاب‌نامه

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابوزهره، محمد(بی‌تا)، زهره التفاسیر، بیروت، دارالفکر.

ابن عبد ربه، احمد بن محمد (۱۴۰۴)، العقد الفرید، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.

استیس، والتر (۱۳۸۴)، عرفان و فلسفه، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران، نشر سروش.

اقبال لاهوری، محمد (۱۳۴۶)، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه: احمد آرام، تهران، مؤسسه فرهنگی.

بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمان (۱۴۰۴)، الاعجاز الیانی للقرآن، القاهرة، دارالمعارف.  
جاحظ معتزلی، عمرو بن بحر بن محبوب (۱۴۲۴)، الحیوان، بیروت، دارالکتب العلمیه.  
حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴)، تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت، دارالعلوم.  
حکیم، محمد باقر (۱۴۱۷) علوم القرآن، قم، مجمع الفکر الإسلامی.  
حمدان، نذیر (۱۴۱۶)، حکمه القرآن و الحضارة، دمشق، دار کلم الطیب و دار ابن کثیر.  
خوئی، ابوالقاسم (بی تا)، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه الاحیاء الآثار الإمام الخوئی.  
دامن پاک مقدم، ناهید (۱۳۸۰)، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران، نشر تاریخ و فرهنگ.  
دیلتای، ویلهلم، (۱۳۹۴) شکل جهان تاریخی در علوم انسانی، ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: ققنوس.

رجبی، محمود (۱۳۸۳)، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.  
زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت - دمشق، دار الفکر المعاصر.

سید رضی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، دار الهجرة.  
سید قطب، ابراهیم (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.  
صادق عبدالرضا، علی (۱۴۱۱)، القرآن و الطب الحدیث، بیروت، دار المؤرخ العربی.  
صدر، محمد باقر (بی تا)، المدرسه القرآنیة، بیروت، دارالتعارف.  
طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.  
طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرين و مطلع النیرین، تحقیق: سید احمد الحسینی، تهران، انتشارات مرتضوی.

غزالی، محمد بن محمد (۱۴۰۳) جواهر القرآن، بیروت، دار الآفاق الجدیدة.  
\_\_\_\_\_ (بی تا)، المتقذ من الضلال، حقه و قدّم له: جمیل صلیبا و کامل عیاد، بیروت، دار الأندلس.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۲)، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.  
فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر.  
فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.  
قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸)، محاسن التأویل، بیروت، دار الکتب العلمیه.

### تحليل کارکرد تجارب زیسته بشری به مثابه ... (احمد قرائی سلطان آبادی) ۱۴۳

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، تحقیق: محمدباقر محمودی و عبدالزهراء علوی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، تهران، دار محبّی الحسین.

مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳)، شبهات و ردود حول القرآن، قم، مؤسسه التمهید.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴) تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).

نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۱)، قرآن و روان شناسی، ترجمه: عباس عرب، مشهد، به نشر آستان قدس رضوی.

یوسف الحاج، احمد (بی تا)، موسوعه الإعجاز العلمی فی القرآن و السنه، دمشق، مکتبه دار ابن حجر.